



فاطمه شریعتی راد

به نام نیک مطلق

دیدگاهی بر مقاله غم تنهایی و بی کسی

آنچه که زیباست از نور معرفت و عرفان در ژرفای وجود خود ساده تر بگویم تنهایی گاهی به معنی راز و نیاز کردن با خود و خداست، تفکر کردن در جلوه‌های آفرینش و معلق شدن در حالت بی وزنی خلقت است. منظورم این است که وقتی به اینجور چیزها فکر می‌کنیم یعنی به آفرینش به خلقت خود، به نخستین روز و آخرین روز جهان، انسان حالت بی وزنی پیدا می‌کند. هدفام این است که این پیشنهاد را بدهم که کمی در مورد عرفان و غرق شدن در آب پاک معنویت بنویسید و تاثیر آن بر روی روان انسان.

چون من فکر می‌کنم که روان انسان چون یک چیز معنوی است. اگر بیمار شود تنها راه حلش دارویی است از جنس خود آن. متأسفانه کسانی که الان مشکلات روانی دارند به این دارو بی اعتنا هستند. حقیقت این است که یکی رنگ آب پاک دریا را فراموش می‌کند و یکی در شنا زیاده روی کرده و خود را غرق می‌کند. لطفاً

سیدسید گل‌های شکوفای سلام تقدیم شما. بهارتان مبارک سال نو را به همه‌ی شما دست‌اندرکاران و زحمت‌کشان مجله‌ی بهداشت روان تبریک و شادباش عرض می‌کنم. امیدوارم که در سال جدید زندگی و کار پر از موفقیت داشته باشید.

در شماره‌ی ۱۰ در مورد **تنهایی** مطلبی تحت عنوان **غم تنهایی و بی کسی** چاپ کرده بودید و فقط تنهایی را به گوشه‌گیری و بی کسی معنا کرده بودید.

انگار کسی بگوید که «من هیچ کس ندارم. هیچ کس مرا دوست ندارد، من آدم بدبختی هستم و از اینجور حرف‌ها».

در حالی که جنبه و بُعد دیگری از معنی تنهایی را نادیده گرفته‌اید.

معنی دیگر تنهایی در واقع خلوت کردن است با وجدان و احساس خود و خدا معنی دیگر تنهایی، تجلی دادن آن سوی چهره‌ی خود است در ورای هر چیز ظاهری و این جهانی و به تماشا نشستن و دیدن هر



آنانی که زنده‌اند چه افسرده، چه سرخوش، چه عاقل بگویید:
طبیعت بوی بهاران می‌دهد. همه‌ی آلاله‌های شهید چشم به
راه دیدار مانده‌اند.

شمع و شاپرک قصه‌ی دوست داشتنی را حکایت می‌کنند که
در طرف دیگر آن محبت، خداست، آری دوست داشتن و خدا، نه
اینکه عشق و انسان. این را ما همه باید بیاموزیم از بی‌کران
دشت‌های سرسبزی که طلوع خورشید سیراب از نورش می‌کند، از
شیرین‌ترین شهدهای یاس از گذار زمان، از صدای چکه‌ی ثانیه‌هایی
که ما را می‌خواند. باید زندگی کردن را بیاموزیم نه روزمرگی را.
بدان امید که همه‌ی جوانانی که این مجله به دست‌شان می‌رسد
بخوانند و بدانند که هنوز ما زنده‌ایم و بی‌تجربه اما خدا هست. باید
تجربه‌ها آموخت برای پرواز. خدا پشت و پناه همه‌ی شما.

سلام گرم بهار از سرزمین سرسبز شمال با صدای پاک دریا
تقدیم شما باد.

**چقدر روح محتاج فرصت‌هایی است که در آن
هیچ کس نباشد.**

«معلم شهید دکتر علی شریعتی»

این موضوع را نادیده نگیرید و با تکیه بر مثال‌ها و شواهد عینی این
موضوع را در مجله مطرح کنید تا بیشتر باور شود.

شاعران بزرگ و بزرگان عالم معرفت می‌گویند:

**زندگی در صدف خویش گهر ساختن است
در دل شعله فرو رفتن و نگذاختن است**

**خواب ما زنده‌دلان خواب پریشانی نیست
از همین خاک، جهان دگری ساختن است**

«اقبال لاهوری»

**روح در قالب انسان ز پی معرفت است
کرده‌اند این تله در خاک که عنقا گیرند**

«عبدالرزاق لاهیجی»

لطفاً این موضوع را فراموش نکنید که روح خمیر مایه‌اش از
معنویت است و ذاتا بدن نیازمند. امیدوارم که این مطلب را در مجله‌ی
خوب‌تان انعکاس دهید.

خوب دیگر به آخر نامه رسیده‌ام. خیلی باید ببخشید که نامه
طولانی شد. از طرف من به همه‌ی جوانان این مرز و بوم به همه‌ی

